



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۶ / ۰۴ / ۲۱

یونس نگاه

چند نکته در مورد خط دیورند

- ۱) خط دیورند بین افغانستان و پاکستان حل شده نیست، به همین دلیل همیشه جنجال آفرین بوده و دردسر برای ما خلق می کند. پاکستان هم مساله این خط را حل شده نمی داند و نگران است. حمایت از مجاهدین و طالبان بی ارتباط به منازعه خط دیورند نبوده است. اگر پاکستان خط دیورند را حل شده می دانست، به احتمال زیاد پشت طالبان نمی ایستاد.
- ۲) (از سمت پاکستان اگر ببینیم در مساله خط دیورند نارضایتی باشندگان خیبرپختونخوا و بلوچستان به مراتب مهمتر از مطالبات مردم یا حاکمان افغانستان است. خطر اصلی برای پاکستان نارضایتی میلیون ها باشنده آن سوی خط دیورند از وضعیت موجود، و چگونگی ادغام آن سرزمین به دولت پاکستان پس از جدایی هند و پاکستان می باشد. منازعه خط دیورند پس از جدایی پاکستان از هند داغ تر شد، چون با برچیده شدن قدرت هند بریتانوی و در عین حال پایان یافتن حاکمیت هند بر مناطق پشتون نشین و بلوچستان وضعیت به نقطه صفری برگشته و فرصت تعیین سرنوشت برای ساکنان آن مناطق حداقل از لحاظ نظری مهیا شده بود. به همین دلیل جنبشی برای خودمختاری در آن سوی خط دیورند راه افتاده بود و در محافل سیاسی عمدتاً سه نکته مطرح بود: اول) خودمختاری، دوم) پیوستن به پاکستان، سوم) ماندن با هندوستان. تا جایی که اطلاعات من قد می دهد پیوستن به افغانستان در آن سال ها یکی از گزینه ها در بحث های سیاسی اصلی ساکنان آن سوی خط دیورند نبوده است.
- پاکستان با اجبار و اعمال فراندوم دوگزینه ای «آیا می خواهید به هند بپیوندید یا به پاکستان»، خودمختاری آن مناطق را منتفی اعلام کرد و خیبرپختونخوا به پاکستان مدغم شد. یک قشر سیاسی معترض از همان زمان تاکنون علیه ادغام به پاکستان ایستاده اند و آن را خلاف خواسته های ساکنان خیبرپختونخوا می دانند.
- همین حالا مبارزات مدنی و مسلحانه برای جدایی از پاکستان در خیبرپختونخوا و بلوچستان جریان دارد. این مبارزات تازه نیست و از زمان تشکیل پاکستان وجود داشته است. به همین دلایل مساله خط دیورند تنها ادعا و تبلیغات نه بلکه زخم کهنه و خون چکان است.
- ۳) (از مرور موضع گیری های حاکمان افغانستان چنین پیداست که اینان از زمان عبدالرحمان به این سو علاقه ای به ادغام افغانستان به خیبرپختونخوا نداشته اند و از بحث خط دیورند به خصوص در صدسال اخیر چون ابزار سیاسی در معادلات قدرت در داخل افغانستان و در مواردی برای امتیازگیری از پاکستان استفاده کرده اند. سیاستمداران و حاکمان افغانستان باورند دارند که ادغام افغانستان به خیبرپختونخوا و بلوچستان محور قدرت را از کابل و قندهار به پیشاور و کوپته انتقال خواهد داد. آن مناطق هم از نظر نیروی بشری، هم از نظر منابع اقتصادی و هم از لحاظ ژئوپولیتیک بسیار سنگین تر از افغانستان می باشند. به فرض اگر روزی پاکستان حاضر شود که دست از اعمال حاکمیت بر خیبرپختونخوا و بلوچستان بردارد، آن وقت بلوچستان اعلام استقلال خواهد کرد و خیبرپختونخوا نیز حتی اگر ادغام با کابل را بپذیرد خواهد کوشید که پیشاور پایتخت باشد نه کابل. خیبرپختونخوا نفوس بیشتر از افغانستان دارد، احزابش نیرومندتر، اقتصادش بهتر، جامعه اش پیشرفته تر و زیربنایش توسعه یافته تر است. اگر سازوکار کاملاً دمکراتیک برقرار باشد آنان برنده خواهند بود، و در صورتی که زور حکم باز هم آنان توانایی بسیج و منابع چانه زنی و زورگویی بیشتر در اختیار خواهند داشت. به همین دلیل حاکمان کابل و قندهار به جای ادغام خواهان امتیازگیری می باشند.
- یکی از امتیازاتی که در محافل غیررسمی مطرح است، گرفتن مسیر زمینی از خاک بلوچستان به دریاست. حاکمان کابل آرزو دارند در چانه زنی بر سر خط دیورند پاکستان را وادار سازند تا در بدل رسمیت خط دیورند افغانستان را به آب راه دهد. برخی امتیازگیری ها در حد دسترسی سهل تر به بندر کراچی و مسیر ترانزیت بی دردسر به واگه و امثال آن نیز مطرح است.
- ۴) (مردم افغانستان ولی در این بحث چنددسته و پراکنده اند. ساکنان مجاور خط دورند به دلایل انسانی، عملی، فرهنگی و اقتصادی آن خط را نمی پذیرند. خط دیورند زندگی و تجارت و رشته های قومی و فرهنگی آنان را قطع می کند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

دیگران در شهرها و مناطقی که دولت و تبلیغات رسمی نفوذ دارد در اثر سال‌ها تبلیغ و جدل به این بحث حساس شده‌اند و فکر می‌کنند آن سوی خط دیورند در قباله کابل است و شبیه یک دعوی ملکیت حقوقی به آن می‌بینند و باور دارند که اگر قدرت و امکانات و شهادت سیاسی وجود داشته باشد، آن را بدست خواهند آورد. در چشم اینان باشندگان آن سوی خط دیورند حق انتخاب ندارند و حتی اگر خودمختاری یا ماندن با پاکستان را ترجیح دهند باید به زور سوتنه پس به وطن و خاک پدری وصل شوند. این جمع از هموطنان بسیار احساساتی‌اند، زود هیجانی می‌شوند، دشنام می‌دهند و خیال‌هایی در سر دارند که با واقعیت‌های زمینی امروز منطقه همخوانی ندارد. بخش کوچکی از هموطنان به‌شکل فعال با طرح خط دیورند و دعوی سرزمینی اعلام مخالفت می‌کنند و جمعیت بزرگ در مناطق شمال، شمال‌شرق، مرکز و بخش‌هایی از غرب افغانستان سیل‌بین‌اند و زیاد با این بحث‌ها رابطه عاطفی و سیاسی برقرار نمی‌توانند.

در نتیجه جمع‌بندی من این است که منازعه خط دیورند زنده و خون‌چکان است. در خون‌هایی که این چند دهه در افغانستان و پاکستان ریخته، منازعه خط دیورند نقش داشته است و همین حالا نیز از جان و مال و آرامش مردم ما قربانی می‌گیرد. آن را نمی‌توانیم انکار کنیم، ولی متأسفانه حل‌اش نیز در توان ما نیست چرا که گره اصلی در پاکستان است.

گره در نارضایتی چندین ده میلیون ساکنان آن سوی خط دیورند است که خود را محروم می‌دانند و حکومت مرکزی را متهم به تبعیض سیستماتیک، سرکوب، تفرقه‌افکنی و اعمال انواع ستم می‌کنند. گره خط دیورند در دست ساکنان خیبرپختون‌خوا و بلوچستان است که خودشان نیز چندپارچه شده‌اند. عده‌ای در کنار دولت پاکستان ایستاده و حتی ماشین سرکوب را تقویت می‌کنند، کسانی در تلاش رفع ستم از راه‌های قانونی در چوکات پاکستان‌اند، جمعیت بزرگی اعتراض مدنی را برگزیده‌اند و جمعیتی نیز خواهان جدایی یا پیوستن به افغانستان‌اند و دوست دارند در این راه اگر ضرورت شد دست به تفنگ هم ببرند.

۵ (من ضمن اذعان به وجود منازعه خط دیورند، حامی تمرکز برسر تشکیل حکومت ملی و دمکراتیک در جغرافیای کنونی افغانستان می‌باشم و فکر می‌کنم دوری جستن از شعارهای فراتر از توان و امیدبستن به تجزیه پاکستان ما را از کار اصلی دور نگه می‌دارد و زمینه را برای قدرت‌گیری نیروهایی که از احساسات و تبعیضات جمعی ما تغذیه می‌کنند، فراهم می‌سازد و راه نجات را طولانی‌تر می‌کند.

در چشم‌اندازی که به ذهن من می‌رسد، خط دیورند روزی حتماً برچیده خواهد شد ولی نه به زور دشنام و تفنگ یا پول و قدرت ساکنان این سوی خط دیورند بلکه در اثر بلوغ جمعی ساکنان دوسوی خط دیورند و عبور از تعصبات کور محلی، قومی و ملی. با شکل‌گیری حکومت ملی و دمکرات، رشد اقتصادی و افزایش تعلیم و رفاه زمینه برای عبور و مرور آزاد بین افغانستان و تمام کشورهای منطقه فراهم گردید. پیشاوری‌ها بدون ویزه به کابل سفر و کار خواهند کرد، و قندهاری‌ها و بامیانی‌ها و مزاری‌ها بدون ویزه به کراچی و لاهور و کوهات برای تفریح، کار یا فعالیت فرهنگی خواهند رفت.

خود را از گرسنگی و بیچارگی بکشیم، جهان از ما خواهد شد. در وضعیتی که امروز حتی ساکنان آن سوی خط دیورند هم از همکاری و هم‌وطنی با ما هراس خواهند داشت. با مردمی که دختران خود را به مکتب نمی‌فرستند و بحث داغ «رسمی و ملی‌شان» ریش و کلاه است، برسر مباح یا غیرمباح بودن تعلیم کشمکش دارند و توزیع کاندوم را گناه می‌شمارند، هم‌خانگی آسان نیست حتی اگر هم‌زبان و هم‌کیش آدم باشند.

ماموریت اصلی ما فعلاً دور کردن سیم خاردار از روی خط دیورند نیست بلکه برداشتن سیم خاردار از دروازه‌های مکتب و دانشگاه‌های این‌سوی خط دیورند است. برداشتن موانع از پیش دروازه خانه‌ها، حمام‌ها، نانوايي‌ها، پارک‌ها و مراکز آموزش موسیقی و هنر است. اگر از سیم‌های خاردار پیش‌خانه خود به سلامتی عبور کردیم آن وقت احتمالاً هوش بر خورد مدبرانه با مساله دیورند را هم پیدا خواهیم کرد.



آرشیف: نو یسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین